

Unit 6 book 3

هشدار دادن

هشدار دادن به شخصی به معنای گفتن یا اخطار دادن او درباره چیزی است.
هشدار آتش به ما اخطار داد که مشکلی وجود دارد.

پخش

پخش یک برنامه تلویزیونی یا رادیویی است.
ما پخش اخبار محلی را از تلویزیون مشاهده کردیم.

بولتن

بولتن یک گزارش خبری است که درباره وقایع بسیار اخیر و مهم صحبت می کند.
یک بولتن زنده از اقتصاد شهر گزارش داد.

برآمدگی

برآمدگی یک ناحیه برجسته کوچک روی یک سطح است.
میمون به دلیل اصابت صخره به سرش برجستگی روی سرش ایجاد شد.

تکه کردن

خرد کردن چیزی به معنای قطعه قطعه کردن آن با ابزار است.
مامان مقداری سبزی خرد کرد تا داخل خورشت بریزد.

کمد لباس

کمد یک اتاق کوچک است که برای نگهداری وسایل استفاده می شود.
ماری لباسهای زیادی در کمد لباسهایش دارد.

دلجویی کردن

دلجویی از شخصی که ناراحت است به معنای دلداری دادن به اوست.
وقتی سگ من فرار کرد ، پدرم از من دلجویی کرد.

ناحیه

منطقه بخش کوچکی از شهر ، شهرستان ، ایالت یا کشور است.
من در یک منطقه مسکونی در سیاتل ، واشنگتن زندگی می کنم.

کشو

کشو قسمت کوچکی از مبلمان است که برای نگهداری وسایل استفاده می شود.
لباس هایم را داخل کشوهای خالی می گذارم.

تحمل کردن

تحمل کاری سخت یعنی انجام یا گذراندن آن.
او مجبور بود شوهرش را که تمام روز فریاد می کشد تحمل کند.

اعدام کردن

اعدام کسی به معنی مجازات قانونی کشتن وی است.

برخی از افراد به جرایم سنگین ، اعدام می شوند.

به چنگ گرفتن

به چنگ گرفتن چیزی به معنای نگه داشتن آن است

او کیف پول را محکم گرفت.

عقب

وقتی چیزی در پس چیزی است ، در پشت قرار دارد.

مرد قسمت عقب کامیون خود را با جعبه بارگذاری کرد.

سناتور

سناتور کسی است که برای یک کشور قانون وضع می کند.

سناتور جوان قول داد قوانینی وضع کند که به مردم کمک کند.

جمعمه

جمعمه قسمت سخت سر شماست. مغز شما درون آن است.

مغز توسط جمجمه محافظت می شود.

هم زدن

هم زدن چیزی به معنای مخلوط کردن آن با استفاده از چیز کوچک ، مانند یک قاشق است.

مامان خمیر را هم زد تا یکدست شود.

ضربه زدن

ضربه زدن به چیزی به معنای آرام زدن آن است.

روی کلیدهای صفحه کلید ضربه زد تا یک کلمه کوتاه بنویسد.

عظیم

وقتی چیزی عظیم باشد ، بسیار بزرگ است.

اقیانوس های زمین با مقدار بسیار زیادی آب پر شده اند.

در زیر

وقتی چیزی زیر چیز دیگری است ، از آن پایین یا پایین تر است.

ریشه های یک درخت در زیر زمین قرار دارد.

کرم

کرم یک حیوان کوچک با جسمی بلند و لاغر است.

کرم ها اغلب برای کمک به صید ماهی استفاده می شوند.

سناتور و کرم

یک سناتور ثروتمند در یک خانه بزرگ زندگی می کرد. او بیش از هر کس دیگری در منطقه خود پول داشت. یک روز ، او روی صندلی نشسته بود و به پخش رادیویی گوش می داد. همانطور که به بولتن خبر گوش می داد ، کرم از زیر صندلی به روی سر او خزید.

آشپز او در آشپزخانه مشغول هم زدن سس اسپاگتی بود. ناگهان فریاد سناتور او را با خبر کرد. او به پشت خانه ای که سناتور نشسته بود دوید.

آشپز نگاه کرد و کرم را دید. او سعی کرد از سناتور دلجویی کند. وی گفت: "من فوراً آن را برمی دارم."

"نه!" فریاد زد سناتور. "من می خواهم تو آن را بکشی."

آشپز گفت: "اما این فقط یک کرم است." "چرا ما باید آن را بکشیم؟ مرتکب جرمی نشده است."

سناتور نمی توانست کرم سر خود را تحمل کند. "عجله کن!" او فریاد زد.

آشپز چندین کشو را جستجو کرد ، اما چیزی پیدا نکرد. سپس به طرف کمد دوید و یک لوله را بیرون آورد. او به سمت سناتور برگشت و لوله را بالای سرش برداشت. او می دانست که نمی تواند فقط روی کرم ضربه بزند. او قصد داشت ضربه سختی به آن وارد کند. لوله را محکم گرفت.

"منتظر چی هستی؟" گفت سناتور. "بکشش!"

آشپز لوله را به سمت سر سناتور چرخاند.

کرم گفت: "اوه ، نه." "او قصد دارد مرا از وسط خرد کند." از سر سناتور پرید.

سر و صدای مهیبی به گوش رسید. "اوه!" گریه کرد سناتور.

برجستگی ای به جمجمه اش برخاست. در همین حین ، کرم به بیرون خزید.

کرم گفت: "این نزدیک بود." "به جای اینکه خوب باشد ، او می خواست به من آسیب برساند. اکنون ، آن مرد برآمدگی بزرگی بر سر دارد."